



www.rouzGar.com

قطع نامه

ویکتور خارا - برگردان: رضا اسپیلی

برای عشق‌ام به آواز نیست که ترانه می‌خوانم
یا برای به رخ کشیدن صدای‌ام
نه! من آواز می‌خوانم که با گیتار صادق‌ام
حرف‌های‌ام را بزنم
گیتاری که قلب‌اش از جنس زمین است
و هم‌چون کبوتران بر فراز آسمان بال می‌گشاید
ترانه‌ی من به دل‌پذیری آب مقدس
دل‌وران و شهیدان را تعمیر می‌دهد
پس ترانه‌ی من به گفته‌ی ویولتا پارا هدف یافته‌است
آری گیتار من کارگری است شادمان
که چون بهار عطر می‌پراکند

گیتار من برای جانیان نیست
آزمندان پول و قدرت
بلکه برای مردمی است که کار می‌کنند
تا آینده گل دهد
چراکه زمانی یک ترانه معنی می‌دهد

که قلب‌اش به توان‌مندی به تپش افتد
و مردمی آن را به ترنم آورند
که تا واپسین دم نیز آن را می‌سرایند
ترانه‌ی خودشان را.

برای مدیحه‌سرایی نیست که آواز می‌خوانم
یا برای به‌گریه واداشتن بیگانگان
من برای دوردست‌ترین نقطه‌ی سرزمین‌ام می‌خوانم
که گرچه محروم است اما ژرفای‌اش را پایانی نیست
در زمینی که روی‌اش آغاز می‌کنیم
در زمینی که روی‌اش به پایان می‌رسیم
ترانه‌های شجاعانه زایش را به آوازی
هماره نوپدید حوالت می‌دهند.